فصلنامه علمی - پژوهشی مهدویت
سال هجدهم/ شماره هفتاد و یکم/ بهار ۱۴۰۳
ISSN:2423-7663

بررسی چرایی پیروزی انقلاب اسلامی براساس گفتمان مقاومت و چالش پیش رو(با نقدی بر نظریهٔ مقاومت شکنندهٔ جان فوران)*

مجید احمدی کچایی[۱]

چکیده

در این پژوهش به این مهم توجه می‌شود که گفتمان مقاومت براساس پیروی رهبر و مردم ایران از دال برتر(اسلام)، سبب پیروزی نهایی انقلاب اسلامی و تداوم آن در دوران کنونی بوده است و پایه‌های این گفتمان تنها بر این امر استوار است. این گفتمان برگرفته از نظریات رایج غربی نبوده است و رهبری انقلاب اسلامی توجه‌ای به این دست از گفتمان‌ها نداشته است از این رو سعی کرد تا با باور عمومی مردم که به دین اسلام اعتقادی ویژه داشتند انقلاب را به پیش ببرد. در این میان نظریه جان فوران در برجسته نشان دادن اقتصاد به عنوان نقطه کانونی چرایی پیروزی انقلاب اسلامی ناکارآمد می‌باشد. همچنین نظریهٔ وی در این‌که انقلاب اسلامی تفاوت ماهیتی با جنبش‌های پیش از خود در ایران را نداشته است مورد تردید قرار گرفته و چالش پیش رو در این انقلاب مورد توجه قرار می‌گیرد.

واژگان کلیدی

انقلاب اسلامی، امام خمینی رحمه‌الله، گفتمان مقاومت، چالش پیش رو.

مقدمه

در این پژوهش با استفاده از نظریه لاکلا، سعی می‌شود(رک: ارنستو لاکلا، ۱۳۹۰ش) دو سؤال مهم این‌که انقلاب اسلامی براساس کدام گفتمان توانست به پیروزی دست یابد؟ و تداوم انقلاب اسلامی با رفع چه چالشی به پیش خواهد رفت؟ مورد توجه قرار گرفته و نظریه مقاومت شکننده که متعلق به یکی از متفکران غرب(جان فوران) می‌باشد مورد بررسی و نقد قرار می‌گیرد. نکته مهم پیرامون چالش پیش رو آن است که انقلاب اسلامی ایران براساس رهنمون به دال برتر(اسلام) شکل و تدوام یافته است اما رفتار بخش قابل توجهی از کارگزاران در طی دهه‌های اخیر تناسبی چندی با علت پیروزی انقلاب نداشته است و این امر سبب دلسردی بسیاری از مردم شده است. در صورت ادامه این روند این امکان دور از ذهن نیست که

* تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۲/۱۵ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۳/۲۸

۱. هیئت علمی و استادیار پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی(ahmadi.m@isca.ac.ir).

دلسردی به مردم سرایت کرده و نهایتا به رویگردانی منجر شود. در ادامه با استفاده از نظریات یکی از اندیشمندان غربی علت پیروزی انقلاب اسلامی مورد توجه قرار می‌گیرد با این حال این بدان معنی نیست که انقلاب کنونی تنها از رهگذر نظریه لاکلا قابل خوانش است، بلکه این نظریه تنها تسهیل‌کننده برای فهم بهتر در چرایی گفتمان انقلاب اسلامی می‌باشد.

در نظریه ارنستو لاکلا و همسر وی، شنتال موف، با استفاده از نظریه فوکو نظریه گفتمانی را به همه امور اجتماعی و سیاسی گسترش می‌دهند(حقیقت، ۱۳۸۴ش: ۲۱-۲۲) ارنستو لاکلا و همسرش نظریهٔ گفتمانی خود را برای نخستین بار در کتاب ***هژمونی و راهبرد سوسیالیستی***(۱۹۸۵) ارائه کردند(ر.ک: رضایی، ۱۴۰۲ش). در این کتاب سعی شده تا از طریق بازخوانی و ساختارشکنی نظریه‌های متفکرانی چون مارکس، گرامشی، آلتوسر، فوکو، دریدا، لاکان و سوسور، راهبردی جدید برای چپ درهم ریخته اروپای شرقی فراهم شود. به نظر ایشان، چپ نباید در مقابل سرمایه‌داری و نولیبرالیسم موضع انفعالی به خود بگیرد و آرمان‌های خود را فراموش کند و از سوی دیگر اصرار بر مارکسیسم در شکل کلاسیک و یا حتی نظریات اخیر مارکسیستی نمی تواند راهبرد مناسبی برای برون رفت ایشان از بحران تلقی شود. آن دو با استفاده از روش گفتمانی برای تبیین جامعه معاصر استراتژی رادیکال دموکراسی را به عنوان راهبردی مطمئن برای احزاب و متفکرین چپ در دنیای معاصر ارائه می‌کنند.[1] این نظریه، خود نظریه رقیب لیبرال دمکراسی بوده و یک جانبه‌گرایی لیبرال دموکراسی به عنوان گفتمان غالب، یا گفتمان برتر را منتفی می‌داند و چنین تحلیل می‌شود که می‌توان از دریچه‌های غیر هژمونی قالب غرب جامعه را مورد بازخوانی قرار داد. کاربرد این نظریه در انقلاب اسلامی ایران به این صورت می‌باشد که بنیان‌گذار آن انقلاب بزرگ، توجه به غرب و شرق را برای ائتلاف و تداوم انقلاب خود نه تنها مؤثر نمی‌دانست بلکه آن را مخرب و مایه وادادگی در برابر رخدادهای مهم کشور می‌دانست. بنابراین به دنبال گفتمانی بود که خارج از هژمونی لیبرال دموکراسی غرب یا جریان‌های مارکسیستی شرق، بتواند از آن برای پیروزی و سپس تداوم انقلاب بهره برد.

این مهم از آن‌جا اهمیت دو چندان می‌یابد که تا پیش از پیروزی و استقرار انقلاب بزرگ اسلامی به رهبری امام خمینی رحمه‌الله، تصور می‌شد که اسلام‌گرایی تنها یك گفتمان حاشیه‌ای است که نباید بر دستیابی به قدرت سیاسی به آن تکیه داشت و چنین توانی در آن دیده نمی‌شود که بتواند خارج از کمند هژمونی غرب یا دست‌کم شرق دست به تحولی بزرگ در

1. Laclau, E., and Mouffe, C. Hegemony and Socialist Strategy: Towards a Radical Democratic Politics. London: Verso, 1985, p xv.

جامعه زند. اما با موفقیت امام خمینی رحمه‌الله‌علیه این تصور به تدریج ایجاد شد که راه دستیابی به قدرت سیاسی، لزوما نیازمند افتادن در قالب گفتمان‌های رایج و مرسوم نیست، بلکه با به قدرت رسیدن اسلام سیاسی به رهبری ایشان، مرکزیت و قطعیت گفتمان غربی مورد تردید فراوان قرار گرفت. امام برای تبیین طرح سیاسی خویش، بی‌آن‌که به نظریهٔ سیاسی غرب متوسل شود، توانست پهلوی دوم، حاکم دیکتاتور و حکومتش را که دلخواه قدرت‌های غربی بود از قدرت ساقط و جمهوری اسلامی را پایه‌گذاری نماید. محمدرضا پهلوی بر همانند پدرش، خصوصا پس از رویارویی با مصدق در جریان ملی شدن صنعت نفت، اندک محبوبیت خود را از دست داد و در سرکوب نهضت ملی شدن نفت به آمریکا اعتماد کرد عالمان، با توجه به کاهش روزافزون محبوبیت شاه، نزد عامه مقبولیت بیشتری یافتند و بدین طریق انقلاب اسلامی به پیروزی رسید. نکته مهم آن بود که امام خمینی رحمه‌الله‌علیه در راهبرد عملی خود برای در دست گرفتن انقلاب با استفاده از دین، به عنوان امری رایج و مورد پذیرش مردم ایران، افزون بر آن‌که بر مشروعیت انقلاب خود صحه گذاشت، توانست توده مردم را به خیابان‌ها کشانده و انقلابی از جنس خواسته‌های مردم در جامعه ایجاد کند، طوری که در تمام رخدادهای بسیار مهم از جمله دفاع از وطن که در تاریخ هزارهٔ ایران کم‌نظیر بود این مردم بودند که با خواسته‌های ایشان همراهی کردند. در این گفتمان، امام خمینی(ره) افزون بر آن‌که به هیچ صورت از نظریه‌های رایج پیروی نکرد، توانست اسلام را به منزلهٔ دال برتر و به عنوان نظم سیاسی جدید به دنیا معرفی نماید و در این پدیده مهم مردم نیز با ایشان همراه بودند، امری که توده ایرانیان بر دوگانه مهم دال برتر(اسلام) و پیروی از ایشان به عنوان نمادی از اسلام تأکید داشتند.[1] از این رو نظریه مذکور تا میزان زیادی بر انقلاب اسلامی قابل تطبیق می‌باشد.

نظریهٔ جان فوران

نظریهٔ دیگر در چرایی پیروزی گفتمان مقاومت در ایران، چارچوب نظری جان فوران می‌باشد. جان فوران(John Foran) متولد ۱۹۵۵، استاد جامعه‌شناسی دانشگاه کالیفرنیا در سانتا باربارا است. وی از جامعه‌شناسان نامدار در پژوهش پیرامون زمینه«انقلاب‌های اجتماعی» در جهان است که به ویژه در دهه هشتاد میلادی تحولات سیاسی اجتماعی و انقلاب ایران را مورد مطالعه قرار داده است. فوران برای مطالعاتش در زمینه تحولات سیاسی و

۱. بابی سعید، هراس بنیادین، اروپامداری و ظهور اسلام‌گرایی، مترجمان: دکتر غلامرضا جمشیدی‌ها و موسی عنبری، ص۱۷۲.

اجتماعی ایران و انقلاب‌ها به ویژه برای نگارش کتاب ***مقاومت شکننده*** در ایران شهرت دارد. او کتاب‌های پرشماری پیرامون انقلاب و جنبش‌های اجتماعی ایران و جهان نوشته و ده‌ها مقاله در معتبرترین نشریات جامعه‌شناسی غرب پیرامون انقلاب ایران منتشر کرده‌است(ر.ک: فوران، ۱۳۷۷ش). پایان‌نامه دورهٔ کارشناسی ارشد وی با موضوع«وابستگی و تغییر اجتماعی در ایران؛ ۱۵۰۱-۱۹۲۵» و رسالهٔ دکتری وی با موضوع«تغییر اجتماعی در ایران از ۱۵۰۰ تا انقلاب» بوده است که کتاب ***مقاومت شکننده*** حاصل این دو پایان‌نامه است که به بررسی ویژه در این‌باره پرداخته است. فوران بیشتر گفتمان مقاومت را براساس یک چالش فراسوی سرزمینی می‌نگرد و چندان باوری به علت پیروزی ایرانیان بر پایه دال برتر(اسلام) ندارد.

فوران در تحلیل تحولات سیاسی ـ اجتماعی ایران پنج نظریه مطرح نموده و بر این باور است که جهت تحلیل تحولات ایران می‌بایست بر این پنج نظریه تکیه کرد: نظریهٔ نظام جهانی امانوئل والرشتاین(سریع القلم، ۱۳۶۹ش: ۸-۱۲). نظریه وجوه تولید مارکسیستی، توسعه وابسته؛ براساس دیدگاه‌های کاردوسو و فالتو، نظریه دولت سرکوب‌گر، فرهنگ‌های سیاسی مقاومت و مشروعیت، براساس نظریه ماکس وبر(لک‌زایی، ۱۳۸۳ش).

وی بر این باور است که نباید انتظار داشت که یک نظریه به تنهایی بتواند رخدادهای اجتماعی ایران را تحلیل نماید. به همین دلیل فوران نظریه‌های فوق را برای بررسی تحولات ایران طرح و در پایان نظریه خود را تحت عنوان گفتمان مقاومت شکننده ارائه می‌دهد. او در نظریه خود به این نتیجه می‌رسد که ایرانیان هرچند به راحتی در برابر دشمن متحد می‌شوند اما زمانی که پیروز می‌شد، اتحاد موجود سست شده و مقاومت آنان از بین می‌رود.

وی بر این باور است که هر دولتی که مایل است به حیات خود ادامه دهد، نیازمند انجام سه کار ویژه ذیل می‌باشد: ۱. ایجاد اتحاد درونی میان بلوک قدرت حاکم؛ ۲. ایجاد تفرقه در میان مخالفان و دشمنان خود؛ ۳. بسیج مردم در جهت حمایت از قدرت حاکم. امری که دولت ایران از سه گزینه فوق برخوردار است. اگر قدرت‌های خارجی موفق شوند در بین بلوک قدرت در ایران اختلاف و شکاف ایجاد نمایند، ممکن است برخی از نیروها برای تقویت خود با نیروهای بیگانه ائتلاف کنند و تداوم این مسئله مقاومت انقلاب را درهم خواهد شکست، اما تاکنون(سال ۱۳۷۰ سال انتشار کتاب مقاومت شکننده) موفق نشده‌اند. وی تأکید می‌کند سابقه حرکت‌های ایرانیان در گذشته نشان می‌دهد این امکان وجود دارد که بین آنها اختلاف ایجاد کرد. بنابراین اگر نیروهای بیگانه موفق شوند در درون نیروهای انقلاب شکاف ایجاد کنند، مقاومت درهم شکسته خواهد شد.

همان‌طور که بیان شد فوران نخست با طرح ۵ نظریه از افراد صاحب نام در حوزه مطالعاتی ایران معاصر از همگی آن استفاده کرد و سرانجام طرح مقاومت شکننده را ارائه داده است. فوران با محوریت و بررسی سیاسی، تاریخی سه جنبش مشروطه، صنعت ملی شدن و انقلاب اسلامی ایران، سعی دارد تا درستی نظریه خویش را به اثبات رساند، از این رو بر این باور است که ایرانیان پس از پیروزی در جنبش‌ها عمدتا واگرا می‌شوند و دل بستگی چندانی برای حفظ اندوخته‌های خود ندارند. همین امر سبب شکست ایشان تا انقلاب اسلامی شده است به گمان وی این امر به همراه وحدت دشمن خارجی می‌تواند انقلاب ایران را نیز از کارآیی بیاندازد. او با ارائه آمارهای فراوان اقتصادی، نگاهی ویژه به اقتصاد در تحولات ایران در ۵ سدهٔ کنونی داشته است به طوری که می‌توان اقتصاد را اساسی‌ترین متغیر در اندیشه او دانست، با این حال به کلی از ابعاد دیگر انقلاب ایرانیان غافل نبوده و انقلاب اسلامی را واجد مضمون‌های سیاسی، اقتصادی و اجتماعی می‌داند، اما شکل‌گیری آن را تنها به واسطهٔ رشد این انگیزه‌ها نمی‌پندارد. در حقیقت، فوران مانند برخی پژوهشگران تلاش نداشته تا چگونگی و چرایی انقلاب ایران را تنها در قالب نظریات رایج تئوریزه کند، زیرا از نگاه او، آن را باید به یاری تلفیقی منطقی از نظریه‌های نظام‌های جهانی، نظریهٔ وابستگی، نظریهٔ مشروعیت نظام و ماهیت دولت و فرهنگ‌های سیاسی مخالفان توضیح داد.

او در تحلیل خویش به طور خلاصه مراحل انقلاب اسلامی را چنین برشمرده است که عامل نظام جهانی به همراه ساختار اجتماعی ایران سبب شد تا توسعه‌ای وابسته و ناهمگون در همهٔ زمینه‌ها در ایران رخ دهد. این فرآیند به جابجایی شدید اقتصادی منجر شد، که نتیجه آن این بود که مردم در برابر بسیاری از این وابستگی و ناهمگونی‌ها با سیاست‌های حکومتی به مخالفت برخاستند. دولت سرکوبگر پهلوی به حذف مخالفان دست زد و سرکوب سیاسی گروه‌های اجتماعی پرشمار را تنها راهکار برون رفت از مشکلات دانست. با وضع به وجود آمده فرهنگ‌های سیاسی گوناگون به کار مخالفان آمد و رژیم پهلوی و دولت حامی آن، آمریکا، علت اساسی مشکلات در ایران تلقی شدند. از این رو فرهنگ‌های سیاسی مخالفان، در کنار بازشدن فضایی جدید در نظام جهانی و افت اقتصاد داخلی سبب شد تا ائتلاف چند طبقه‌ای بروز یابد و ائتلاف چندطبقه‌ای سرانجام سبب بروز انقلاب در کشور شد.

نظریه‌ای که فوران ترسیم می‌کند مجموعه‌ی از نظریه‌های بود که هیچ یک از آن‌ها به تنهایی نمی‌توانست موجب انقلاب در ایران شود، اما مجموعهٔ آنها به وقوع انقلابی بزرگ منجر شد. در تبیین این مظریه باید تاکید داشت که نظریه وی تا اندازه‌ای درست به نظر می‌آید اما

پرسش آن است ائتلاف چندطبقه‌ای بر چه اساسی شکل گرفت؟ فوران خود، اشاره‌هایی به دین و همچنین نقش بی‌بدیل رهبری انقلاب در بروز این مهم داشته است. فوران به مقایسه‌ی انقلاب اسلامی با تحولات اجتماعی ـ سیاسی پیشین در ایران پرداخته و این پرسش را مطرح کرده است که چرا انقلاب اسلامی در رسیدن به هدفش به مراتب موفق تر از انقلاب-های پیشین همانند مشروطه و نهضت ملی شدن صنعت نفت بود؟ وی عوامل این پیروزی را در چند مورد خلاصه می‌کند: انسجام و قدرت بیشتر ائتلاف مردمی، تاکتیک‌های کارآمد انقلابیون، نقش برجستهٔ روحانیت، تعیین هدف اصلی(تغییر دولت از طریق برچیدن نظام شاهنشاهی) و مساعدتر بودن اوضاع نظام جهانی.

همان‌طور که دیده می‌شود بر این اساس، تحلیل فوران از انقلاب اسلامی ایران و به صورت عام، نظریه او در خصوص انقلاب‌های اجتماعی جوامع جهان سوم را نمی‌توان تحلیلی فرهنگی دانست؛ زیرا تحلیل‌های فرهنگی از انقلاب ایران، فرهنگ و ایدئولوژی اسلامی را در مرکز تحلیل خود قرار می‌دهند و مهم‌ترین علت ایجاد انقلاب را فرهنگ سیاسی تشیع می‌دانند. در مقابل نقطه کانونی نظریه وی همان‌طور که بیان شد این مهم است که ایرانیان هرچند به راحتی در برابر دشمن متحد می‌شوند، اما پس از پیروزی، اتحاد موجود سست شده و مقاومت آنان از میان می‌رود. فوران با محوریت و بررسی سیاسی، تاریخی سه جنبش مشروطه، صنعت ملی شدن و انقلاب اسلامی، سعی در اثبات نظریه خود دارد، از این رو بر باور است که ایرانیان پس از پیروزی در جنبش‌ها بیشتر واگرا هستند و دل بستگی چندانی برای حفظ اندوخته‌های خود ندارند بنابراین مقاومت ایرانیان مقاومتی شکننده است. همین چالش سبب شکست ایشان تا پیش از انقلاب اسلامی شده است و دور از ذهن نیست که این روند در انقلاب اسلامی نیز تکرار شود.

نگارنده با پذیرش عامل اقتصاد به عنوان یکی از ریز متغیرهای تحولات کنونی، آن را مسئله اساسی ملت نمی‌داند. از دیدگاه نگارنده، نظریه رهبری مذهبی با تکیه بر دال برتر(اسلام) علت اساسی پیروزی انقلاب اسلامی بوده است که از این نظر بر دیگر نظریه‌های رقیب چیرگی دارد. براساس این نظریه لازم است بین علل بحران مشروعیت نظام پادشاهی از یك سو و عوامل پیروزی انقلاب اسلامی از طرف دیگر تفکیك قائل شویم. نظریه مدرنیته به خوبی می‌تواند سست شدن ارکان و پایه‌های حکومت پهلوی را تبیین نماید، اما در بیان چرایی پیروزی انقلاب اسلامی ناکارآمد است. نظریه رهبری مذهبی با مفروض گرفتن نوسازی به عنوان مهم-ترین عامل ایجاد بحران در مشروعیت نظام پیشین، درصدد است مهم‌ترین عامل پیروزی

انقلاب اسلامی را جستجو نماید. براساس این نظریه مهم‌ترین عامل پیروزی، شخصیت چند بعدی رهبر کبیر انقلاب امام خمینی رحمه‌الله و تکیه ایشان بر دو عنصر بسیار مهم اسلام و توده مردم بوده است و عوامل دیگر همچون استبداد شاهی، اقتصاد و دیگر موارد نیز به این امر کمک کردند. بنابراین مهم‌ترین نقدهای وارد بر نظریهٔ فوران عبارتند از: محوریت بخشیدن به ملاحظات طبقاتی و معیارهای مادی ـ معیشتی، غفلت از این که اسلام دال برتر جنبش‌ها و انقلاب‌های ایرانی از جمله انقلاب اسلامی است. غفلت از ظرفیت رهابخش جنبش‌ها و انقلاب‌های ایرانی، غفلت از پویایی سنت اسلامی و مقایسه‌ی نابه‌جای آن با سنت غربی، غفلت از بعد اثباتی انقلاب اسلامی و تأکید غیرواقعی بر بعد سلبی و نفی آن، تلاش بی‌اصل در روح بخشیدن به نگاه ساختاری که خود مدعی است از آن گذر کرده است، فقدان نگرش فلسفه تاریخی به انقلاب اسلامی. بنابراین تأکید می‌شود گرچه عنصر اقتصاد می‌تواند بر بسیاری از امور تأثیرگذار باشد اما مسئله اساسی و محرک ایرانیان در این دوران به خصوص در انقلاب اسلامی نبوده است و تنها یکی از ریز متغیرهای تحولات کنونی بوده است.

نظریهٔ مختار

حرکت گسترده مردم به رهبری امام خمینی رحمه‌الله، در سال ۱۳۵۷ش/۱۹۷۹ م. موجب سقوط نظام سنتی حکومت اقتدارگرای فردی و ایجاد نظام مردمی ـ جمهوری بر پایهٔ تعالیم اسلام شد. بنیان جمهوری اسلامی، همراه با واقع‌گرایی و آرمان‌گرایی اسلامی ایجاد شد که مدعی پاسخگوی به نیازهای بشر را داشته است، تأکید بر استقلال از دولت‌های سلطه‌گر نیز از شعارهای اساسی این گفتمان شمرده می‌شد، در این جریان روحانیان شیعه سهم بزرگی در هدایت و آگاهی‌بخشی و رهبری مردم داشتند به طوری که علاوه بر رهبری فردی روحانی، عبارت پر تکرار جمهوری اسلامی که در شعارهای مردمی تکرار می‌شد برگرفته از اندیشه‌های ایشان شمرده می‌شد.

در ابتدای دهه اول انقلاب اسلامی و به دنبال مطالبه امام خمینی رحمه‌الله مبنی بر ضرورت انتخابات برای تعیین نظام، این انتخابات صورت گرفت. این انتخابات آشکارا نشان داد که تقریبا تمام نیروهای سیاسی، در عدم اعتبار حکومت سلطنتی و روی کار آمدن حکومتی در شکل جمهوری اسلامی موافق بودند و به‌رغم وجود مشکلات فراوان، ۹۸/۲ درصد مردم به جمهوری اسلامی رای دادند. نکتهٔ مهم حضور گسترده مردم در مشارکت اجتماعی و رأی خیره‌کننده ایشان به دال برتر به عنوان جمهوری اسلامی بود و در یک سال چهار انتخاب

بزرگ روی داد و حاکمیت توانست همان‌طور که پیش از این قانون اساسی خود تأکید کرده بود از مردم در توان مدیرتی خود استفاده کرده و مردم را در همه شئون حکومت دخالت دهد. حضور همیشگی مردم به خصوص با آغاز جنگ تحمیلی به خوبی خود را نشان داد در عین حال مردم هم‌چنان در عرصه‌های دیگر حضوری فعال داشتند(احمدی کچایی، ۱۴۰۲ش). از دیگر موارد همراهی مردم با حاکمیت می‌توان به تشیع پیکر امام خمینی رحمه‌الله توسط مردم ایران یاد کرد که برخی از منابع آن را بزرگ‌ترین تشییع در تاریخ بشریت می‌دانند.[1] این در حالی بود که رفتار ملت ایران در مقایسه با چهار شاه آخر کاملاً تحقیرآمیز بود به طوری که در خروج و تبعید محمدعلی شاه و احمدشاه مردم رفتار خونسردی داشتند و این وضع در دوران پهلوی‌ها با دلشادی فراوان مردم همراه بود. با انتخاب آیت‌الله خامنه‌ای و استقبال کم‌نظیر مردم ایران مواجه شد، انتخاب ایشان به رهبری بدون مناقشه در کشور بوده است در صورتی که در دوره‌های پیشین تقریبا بدون استثنا درگیرها بیش و کم زیادی برای تغییر هرم قدرت در کشور ایجاد می‌شد.

در تمام دوران انقلاب اسلامی، به رغم مشکلات فراوان در ایران، هیچ‌گاه انتخابات در این کشور با تعطیلی یا مشکل تقدم و تأخر مواجه نشده است و در انتخابات ریاست جمهوری همگی داوطلبان از امکانات مساوی و بدون هزینه تلویزیون دولتی ایران استفاده کردند که نشان از اهتمام نظام بر مردم‌سالاری دینی بوده است.

نکتهٔ بسیار مهم در دوران رهبری کنونی، عدم برکناری و یا تعطیلی هیچ یک از نهادهای منتخب مردم اعم از رؤسای جمهور و نمایندگان منتخب برای مجلس شورای اسلامی و خبرگان و شوراهای شهر بوده است در صورتی که این امر به‌خصوص در دوران محمدرضا پهلوی بسیار متغییر بود و در دوران پادشاهی وی، حدود ۳۰ بار هیات دولت و نخست وزیر توسط شاه ایران تغییر یافت.

در بخش دست‌یابی به علوم و فنون مورد نیاز و ارتقای آموزش در کشور بسیار چشم‌گیرتر از دوران سابق بوده است، به طوری که نمی‌توان با آن دوران سنجید، تأکیدات رهبری ایران و پافشاری ایشان بر این امر دهه‌های اخیر در رسیدن به این مهم بسیار مهم بوده است.

در ابعاد معنوی که مهم‌ترین وجه آغاز انقلاب اسلامی بوده است ابعاد گسترده‌تری یافت و با آغاز جنگ تحمیلی عراق علیه ایران توجه بدان بسیار گسترده‌تر شد به طوری که می‌توان

۱. ر.ک: رکورد گزینس: Iran (Tehran)

یکی از نقاط عطف تاریخ تشیع در هزاره اخیر رشد فزآینده و خیره‌کننده المان‌های دینی و معنوی را در جنگ اخیر برشمرد. پس از جنگ نیز هم‌چنان رهبران نظام بر این مهم تأکید ویژه داشتند، گرچه شتاب معنوی دوران دفاع مقدس به کندی گرائید اما هم‌چنان ادامه داشت و محدود به آن زمان نشد. این مهم بیشتر بدان دلیل بود که توجه به عبودیت در جنگ تنها برای کارکردگرایی نبوده است بلکه از ویژگی اساسی انقلاب اسلامی برشمرده می‌شد. از دیگر عوامل شکل‌گیری و تداوم تعالی در یک جامعه داشتن ایدئولوژی استوار بر پایه‌های وحی می‌باشد این عنصر از آن‌جایی دارای اهمیت فراوان می‌باشد، این مهم نیز در باور رهبری ایران انعکاس یافته است(ر.ک: راجی، ۱۴۰۰ش).

پافشاری رهبری ایران درباره کسب علم همراه با معنویت به عنوان یکی از اصلی‌ترین راه حل‌های خروج کشور از مشکلات می باشد و علم بودن پشتوانه معنای گرایی صحیح را یك از آفات تمدن غرب دانسته که نباید در جمهوری اسلامی تکرار شود(بیانات مقام معظم رهبری در دیدار مردم شاهرود، ۱۳۸۵/۸/۲۰). به همین دلیل یکی از مهم‌ترین تأکیدات رهبران ایران در دوران پس از جنگ نیز تلاش برای تعمیق باور دینی در میان توده‌های مردمی است امری که در رویداد بسیار مهم پیاده روی اربعین امام حسین علیه‌السلام نمودی آشکار داشته است، با این حال تأکید زیادی داشته‌اند که نباید یادگیری علوم به وادادگی در برابر دولت‌های سلطه‌جو تبدیل شود و در علوم مختلف باید به نوع‌آوری توجه ویژه شود. در نتیجه انقلاب اسلامی با تأکید بر گفتمان اصلاح‌گرایانه در همه ابعاد زیستی و اخلاقی جامعه، رژیم پهلوی را به کمک مردم متلاشی کرد. با آغاز جنبش امام خمینی رحمه‌الله‌علیه در دهه ۴۰ شمسی و همراهی مردم با ایشان، انقلاب اسلامی به پیروزی رسید. انقلاب کنونی نیز در دوران نزدیک به نیم سده‌ای خود با مشکلات فراوان داخلی و خارجی مواجه شد که بسیاری از آن محصول دشمنی بیگانگان با ایرانیان بوده است که نمونه آشکار آن جنگ تحمیلی و فشار و تحریم‌های اقتصادی علیه این کشور بوده است. تردیدی نیست که این هجم از ستیزه‌جویی علیه ایرانیان دست‌کم در تاریخ معاصر ایران بی‌سابقه بوده است. طوری که دولت‌های قاجار و پهلوی نه تنها با چنین مشکلات مواجه نبودند بلکه این امر در دولت پهلوی با هم دلی فراوان بیگانگان با ایشان همراه بوده است. در انقلاب اسلامی به رغم همه ستیزه‌جویی‌ها تمامی شاخصه‌ها در رویکردهای گوناگون کشور، با رشد بی‌سابقه‌ای نسبت به دوران پیشین و حتی در برخی از شاخصه‌ها در سطح جهان مواجه بوده است که بیان اجمالی آن بسیار بیشتر از حجم این تحقیق می‌باشد. از این رو دوران نوین در ایران و حکومت متفاوت جمهوری اسلامی،

خواسته‌ها و نگرش مردم نسبت به حاکمیت تغییر بنیادین یافت. با توجه به همگانی بودن این حکومت و اقبال وسیع مردمی به آن، نتایج حاصله این حکومت نیز به میزان قابل توجه‌ای با دوران پیشین خود تفاوت داشته است، همراهی مردم با حاکمیت در همه مناسبات و مناقشات داخلی اعم از مبارزه با تجزیه‌طلبان، حضور در انتخابات، حضور گسترده در جنگ تحمیلی و دیگر موارد همگی گواه بر همدلی و همگرایی مردم با رهبران خود در دوران انقلاب به خصوص دهه اول بوده است. رحلت امام خمینی رحمه‌الله‌علیه و حضور میلیونی مردم مشایعت‌کننده ایشان نیز گواه آشکاری بر همراهی مردم با رهبر خود داشته است این در حالی است پیش از رحلت امام و با شهادت برخی از دولت مردان نیز رفتار مردم کاملاً همدلانه بوده است.

در نتیجه می‌توان کارنامهٔ جمهوری اسلامی ایران را به‌رغم برخی از کاستی‌ها، موفقیت‌آمیز دانست و صداقت لازم در تکیه بر دال برتر(اسلام) را داشته است این امر با حضور قابل ملاحظه مردم در مناسبت‌های ملی نمود آشکاری دارد و همگرایی آشکاری دیده می‌شود.

چالش پیش رو

با این حال پس از رحلت امام خمینی رحمه‌الله‌علیه با آمد و شد دولت‌های گوناگون با سلایق بعضا کاملاً متغایر با یکدیگر در مناسبات مردم با حاکمان فراز و فرودهای زیادی صورت گرفت که این امر بیشتر در حوزه اقتصادی با افزایش نرخ تورم و بیکاری نمود داشته است و به دنبال خود نارضایتی‌های را نیز پدید آورده است، با بیشتر شدن این دست از مشکلات و ناامیدی مردم از دولت‌های گوناگون، انتظارات از رهبری برای رفع مشکلات فزونی یافته است، این امر سبب شده تا نگاه‌های منتقدانه در این‌باره تقویت شود. ادامه این روند با توجه به برخی از مشکلات لاینحل جامعه تا اندازه قابل توجهی بر روند برخی از اعتراض‌ها افزوده که در برخی از آن به شورش و اغتشاش نیز منجر شده است. در این‌باره باید توجه داشت، به جهت دوران طولانی پادشاهی در کشور و وجود یک شخص در راس همه تصمیم‌گیری‌ها، این گمان در میان مردم هنوز پس از گذشت چهار دهه از پیروزی انقلاب اسلامی از میان نرفته است. بر این اساس از آن‌جایی‌که پادشاه به عنوان محور همه تحولات در ایران شمرده می‌شده است، رویدادها و مشکلات جامعه نیز شاه‌محور بوده است و مردم هرگونه خیر و شری را از آن ناحیه می‌دانستند. این باورداشت پس از پیروزی انقلاب اسلامی تعدیل شد اما به کلی از میان نرفت و برخی از مردم هم‌چنان روش هدایت رهبری در یک جامعه را همانند اعمال قدرت شاه

دانسته‌اند، در حالی که روش رهبران ایران براساس پایبندی به قانون و شریعت بوده است و اعمال قدرت تنها بر همین اساس پیشران بوده است که این امر به کلی با روش استبدادی پادشاهان و اعمال سلیقهٔ فردی تفاوت داشته است. در این روش باید قوای گوناگون در نظام سیاسی کشور که توسط مردم انتخاب شده‌اند پاسخگوی عملکرد خود باشند. همان‌طور که بیان شد تفکیک قدرت در ایران پس از گذشت این سال‌ها هنوز در نگاه بسیاری از مردم شناخته شده نیست، به طوری‌که کارگزاران کشور را کمتر مسبب در امور می‌دانند که این امر متأثر از فرهنگ شاه‌سالاری می‌باشد که طی سده‌ها شخص پادشاه در همه امور حکومت به دل‌خواه خود دخالت می‌کرد و باور بسیاری نیز چنین می‌باشد که رهبر جانشین شاه است و انتظار رفتار استبدادگونه را از او دارند، در حالی‌که هر یک از مجریان خود بخشی از حاکمیت هستند و باید به مقدار مسئولیت خود پاسخگو باشند[1] و رهبری نمی‌تواند بدون توجه به مردم و قانون اعمال قدرت داشته باشد امری که در دوران کنونی تجربه شده است برای نمونه در طی این مدت مردم به هر گرایشی رأی دادند رهبری با تنفیذ رای مردم، بیشترین کمک را به ایشان داشته است.

افزون بر این، نباید تبلیغات بسیار گسترده علیه رهبری ایران را نادیده گرفت و توجه برخی به این دسته از رسانه‌ها و اخبار توانسته برخی را به خود متوجه کند. بنابراین با توجه به ایده طرح شده می‌توان علت برخی از واگرایی را که در انتخابات یا در برخی از اعتراض‌ها در چند مورد زیر برشمرد:

الف) گسترش رفاه‌گرایی در میان برخی از مسئولان

این امر به رغم بیانات مداوم رهبری و سیره عملی ایشان مبنی بر پرهیز مسئولان در مال‌اندوزی صورت گرفته است و تا آن اندازه پیش رفته است که نمی‌توان به راحتی مقام مهمی را در کشور یافت که در مناطق متوسط شهرهای بزرگ همچون تهران حاضر به زندگی باشند و این سبک از زندگی با شعارهای روزهای نخستین انقلاب ایران تناسب چندانی ندارد و بسیاری از مردم آن را با آرمان‌های اعلان شده در تعارض می‌بینند.

۱. این نگاه سبب شده تا برخی از مسئولان در رده‌های مختلف نظام اسلامی به رغم وجود قدرت در حیطه اختیارات خود، با دامن زدن به این گمانه که برخی دیگر در امور ایشان دخالت می‌کنند و یا آن‌که اختیارات کافی ندارند از امور محوله خود شانه خالی می‌کنند و عجیب آن است با آن‌که چنین ادعای در ناکافی بودن اختیارت دارند اما هم‌چنان اصرار دارند در قدرت باقی بمانند.

ب) توجه به غرب و نگاه به برون

این مورد در سه دهه اخیر، فراز و فرود داشته است و بیشتر رویکرد به غرب غلبه داشته است، در صورتی‌که تأکید انقلاب اسلامی بر استقلال در همه عرصه‌ها بود و در قانون اساسی نیز به این مهم توجه فراوان شده است. توجه به بیگانگان به‌رغم توصیه فراوان رهبری به داشته‌های درونی و توجه به دانشگاهیان و توان ایشان برای برون رفت از مشکلات انجام گرفته است، اما هم‌چنان توجه به بیگانگان بر مسند کار مقامات بلندپایه ایران قرار دارد. توجه به بیگانگان به خصوص غرب مدت‌هاست هویت ملی کشور را نشانه رفته است و پیشینه آن را می‌توان از دوران مشروطه به بعد دانست، این نگرش سبب شده تا اندوخته‌های ملی و بومی کمتر دیده شود و در نتیجه مشکلات فراوانی از جمله فرار نخبگان حاصل آید. در صورتی‌که در دوران جمهوری اسلامی توجه به داشته‌های خودی بسیار بیش از دوران پیشین بوده است و نتایج شگرفی به خصوص در دوران جنگ کسب شده است.

ج) نزاع سیاسی میان مسئولان نظام

حساسیت بالا و روزافزون در انتخابات که به تدریج در حال افزایش و درگیری میان افراد و جناح‌های مختلف است به باور بسیاری از مردم تنها برای دست‌یابی به موقعیت اجتماعی انتخاب شوندگان تلقی می‌شود و چندان جهت خدمتگزاری نبوده است. این پدیده علاوه بر سرخودگی برای توده مردم، حاکی از فاصله گرفتن روحیه جهاد و کار انقلابی برخی از مسئولان از ابتدی انقلاب تاکنون می‌باشد، این امر به خصوص با افزایش رانت‌های اقتصادی و افشای فساد برخی از مسئولان و وابستگان ایشان سبب دلزدگی بیشتر مردم را فراهم کرده است و مفهوم عدم صداقت و خیانت در بیان و رفتار مقامات حاکمیتی در ذهن مردم تداعی می‌شود، ادامه این روند که نشانه‌ای از بهبود در آن دیده نمی‌شود، عوارض بسیار خطرناکی را در جامعه به‌دنبال خواهد داشت، عدم اصلاح آن دست‌کم به بی‌تفاوتی مردم در جریان‌ها و مشکلات سیاسی منتهی خواهد شد.

درگیری‌های فراوان میان دولتمردان با یکدیگر در رسانه‌های عمومی و اتهام دروغ و رانت اقتصادی و فساد مالی به یکدیگر، در نگاه بسیاری از مردم در نهایت به همه حاکمیت نسبت داده می‌شود که بی‌شک امری درستی نیست، در این مهم اتفاقات همانند انتخابات مجلس تهران در سال ۱۳۷۸ و ریاست جمهوری سال۱۳۸۸، نمونهٔ آشکار این درگیری است(ر.ک: فتنه ۸۸ در قاب دوربین۱۳۹۵ش) که البته در انتخابات ریاست جمهوری سال ۹۲ و ۹۶ نیز با

تنش‌های کمتر دیده شد. این در حالی است که برخی از ارکان حاکمیتی نیز مردم را ترغیب به شورش مدنی می‌کنند. در این میان سخنان رهبری برای اصلاح امور جامعه و پرهیز از هرگونه تنش، بیشتر مورد اقبال مردم قرار می‌گیرد و چندان مورد توجه دولتمردان نبوده است که این امر سبب خدشه‌دار شدن جایگاه رهبری نیز در میان توده مردم شده است، بنابراین می‌توان در بیان مهم‌ترین مشکلات کشور به این موارد اشاره داشت:

د) عدم کنترل بازار و تورم فزآینده

کاهش اعتبار پول ملی و پیامد آن تورم فراوان و عدم کنترل بر بانک‌های ربوی، بخشی از مطالبات مردم می‌باشد در این میان حساسیت درباره بانک‌ها بیشتر می‌باشد که علاوه بر ربوی بودن بسیاری از معاملات آن، ساختارهای بسیار سخت و فراسایشی برای دریافت تسهیلات و اخبار پیوسته‌ای از اختلاس‌های کلان و حتی رو به رشد در دهه اخیر از آن سبب آشفتگی بیشتر مردم شده است، از سوی دیگر دولت‌های کنونی نیز چندان عزمی برای اصلاح آن نداشته‌اند همین امر نیز بر دلزدگی مردم افزوده است. نمود آن را می‌توان در اغتشاشات آبان سال ۹۸ در آتش زدن بانک‌ها دانست که نشان از انزجار بسیاری از مردم از بانک‌ها بیش از هر مکان دیگر می‌باشد. با این حال هم‌چنان بیشترین استقبال و حمایت در میان مسئولان بلندپایهٔ جمهوری اسلامی ـ با فاصله زیاد از دیگر مقامات کشوری ـ هم‌چنان از رهبری انجام می‌گیرد. ادامه این روند و عدم ورود رهبری به ریز فعالیت‌های مسئولان و از طرف دیگر نگاه یک‌جانبه بخش قابل توجهی از مردم که رفع مشکلات موجود را تنها در دست رهبری می‌دانند سبب خواهد شد جایگاه رهبری مورد خدشه قرار گیرد.

همچنین در نتیجه آسیب‌شناسی این دوره باید افزود که با بررسی رخدادهای و جنبش‌های ایرانیان در دوران معاصر جنبش‌ها و اغتشاشات در ایران براساس مدل اقتصاد محور نبوده است به این معنی که هیچ‌گاه تنگناهای اقتصادی نتوانسته مردم را وادار به اعتراض گسترده سازد و جنبش‌ها در ایران معاصر تا حال براساس عدم توجه حکومت مرکزی به دال برتر(اسلام) و تشخیص مصداق خیانت به آن بوده است، اما پیچیدگی آن پس از پیروزی انقلاب اسلامی بیش از دوران سابق است، چراکه تا پیش از انقلاب اسلامی تشخیص مصداق خیانت علیه منافع عمومی و به ویژه دال برتر ـ اسلام ـ با روحانیت بوده است، اما با تبلیغات بسیار وسیع علیه روحانیت و مقصر نشان دادن ایشان در مشکلات کشور، اگر اعتماد عمومی به این طبقه اثرگذار سلب گردد در آن صورت ممکن است دال برتر و اولویت اول آن نیز دچار

خدشه گردد و از اولویت اصلی ایشان خارج شود. همچنین نکته بسیار مهم آن است اگر طبقه متوسط روحانیت و طلاب که به طور معمول از همه طباقت اجتماعی هستند، دلبستگی خود را به نظام موجود اسلامی به دلایل گوناگون از دست دهند و به رخدادهای پیش‌رو حساسیت نشان ندهند، سرعت واگرایی مردم نیز نسبت به پدیده‌های انقلاب و به خصوص دال برتر شدت خواهد گرفت، این مهم از آنجا تقویت می‌شود که تاریخ انقلاب اسلامی نشان داده است که در جریان پیروزی انقلاب اسلامی و پیشبرد جنگ تحمیلی، طبقه متوسط روحانیت همواره پیش‌گام بوده‌اند(ر.ک: منشور روحانیت) و با حضور مستمر خود در نقاط مختلف کشور، مردم را نسبت به کنش‌های اجتماعی بر می‌انگیختند، باید توجه داشت اگر این دسته از روحانیون به این باور برسند که زعمای کشور صداقت کافی را در برابر ایشان و دال برتر ندارند به‌طور طبیعی واگرا خواهند شد و این امر آسیب بسیار مهمی برای ادامه کار جمهوری اسلامی خواهد شد امری که تاکنون چنین نبوده است.

افزون بر این موارد تبلیغات سو علیه دستاوردهای قابل توجه در بیش از چهل سال از عمر جمهوری اسلامی توانسته برخی را به خصوص نسلی که آگاهی از دوران پیشین نداشته‌اند با تردید مواجه سازد. این‌گونه از تبلیغات افزون بر آن‌که توسط دشمنان جمهوری اسلامی به دفعات تکرار می‌شود با شگفتی فراوان در داخل نیز توسط برخی از رسانه‌های وطنی دامن زده می‌شود که نتیجه آن دلسردی و ناامیدی در میان برخی از جوانان می‌باشد. با همه این احوال مشکلات کنونی کشور به‌رغم فراوانی آن نسبت به اداوار گذشته بسیار کمتر می‌باشد و به راحتی با همتی والا می‌توان از کمند آن جست.

نتیجه‌گیری

نوشتار کنونی این نتیجه را رهنمون می‌کند که انقلاب اسلامی در قالب گفتمان مقاومت تنها در ذیل دال برتر اسلام معنی‌بخش می‌باشد و نقطه کانونی ایرانیان در این انقلاب توجه به اسلام و پیروی از رهبری که وی را نماد اسلام می‌دانستند. بنابراین توجه به ریز متغیراتی همانند اقتصاد گرچه در جنبش‌های اخیر در ایران از جمله انقلاب اسلامی تأثیرگذار بوده است، اما نظریه مقاومت تنها مبنتی بر این دست از ریز متغیرات نبود بلکه اساسی‌ترین عنصر مهم در این نظریه توجه به دال برتر بوده است، در این میان چالش اساسی در ایران پس از انقلاب اسلامی عدم توجه برخی از مسئولان به گفتمان اسلام می‌باشد که دل زدگی ایرانیان را فراهم ساخته است.

منابع

۱. احمدی کچایی، مجید(۱۴۰۲ش)، «بررسی تطبیقی نقش استقلال در حفظ قلمرو سرزمینی در حکومت دینی در مقایسه با حکومت‌های پادشاهی ایران معاصر(از قاجار تاکنون)»، ***فصل‌نامه مشرق موعود***، شماره ۶۷.

۲. حقیقت، سیدصادق(۱۳۸۴ش)، «گفتمان و مطالعات اسلامی در ایران»، ***فصل‌نامه پژوهش‌های اطلاع‌رسانی***، سال ششم، شماره ۲۱-۲۲.

۳. راجی، سید محمدحسین(۱۴۰۰ش)، ***صعود چهل ساله***، ترجمه: سیدمحمدرضا خاتمی، قم: نشر معارف.

۴. سریع القلم، محمود(۱۳۶۹ش)، ***توسعه جهان سوم و نظام بین‌الملل***، تهران: سفیر.

۵. سعید، بابی(بی‌تا)، ***هراس بنیادین، اروپامداری و ظهور اسلام‌گرایی***، ترجمه: دکتر غلامرضا جمشیدی‌ها و موسی عنبری، بی‌جا: بی‌نا.

۶. فوران، جان(۱۳۷۷ش)، ***مقاومت شکننده***، ترجمه: احمد تدین، تهران: رسا.

۷. لک‌زایی، نجف(۱۳۸۳ش)، «مقاومت شکننده، جان فوران»، ***زمانه***، شماره ۲۱.

۸. لکلائو، ارنستو؛ شانتال، موفه(۱۴۰۲ش)، ***هژمونی و استراتژی سوسیالیستی***، ترجمه: محمد رضایی، تهران: نشر ثالث.

۹. محمودی، سیدمهدی(۱۳۹۵ش)، ***منشور روحانیت: پیام تاریخی و مهم حضرت امام خمینی رحمه‌الله خطاب به روحانیون سراسر کشور***، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی رحمه‌الله، سی و ششم.

۱۰. مرکز اسناد انقلاب اسلامی(۱۳۹۵ش)، ***فتنه ۸۸ در قاب دوربین***، تهران: انتشارات مرکز اسناد انقلاب اسلامی.

۱۱. مقدمی، محمدتقی(۱۳۹۰ش)، «نظریهٔ تحلیل گفتمان لاکلا و موف و نقد آن»، ***معرفت فرهنگی اجتماعی***، سال دوم، شماره ۲.

۱۲. پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت‌الله خامنه‌ای: KHAMENEI.IR